

تأثیر انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی در منطقه

رضا جعفری

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه یاسوج

چکیده

بیداری اسلامی، خیزش عظیمی است که حصارهای استبداد و استکبار را ویران و قوای نگهبان آن‌ها را مغلوب و مقهور ساخته است. ثبات و استمرار و استقرار نظام جمهوری اسلامی از مهم‌ترین عواملی است که ملت‌های منطقه و ملت‌های مسلمان را امیدوار و نقش مؤثری در ایجاد حرکت و بیداری اسلامی منطقه ایفاء کرده است. انقلاب اسلامی ایران فصل نوینی و الگویی است که با ایجاد امید و نشاط برای ملل اسلامی و جنبش‌های مردمی مبارزه‌کننده با استعمارگران، صحنه تحولات منطقه را تغییر داده است، به نحوی که امروز در حال بازگشت به هویت و قدرت خود و مقابله جدی با غرب و استعمارگران هستند و هر روز پیروزی جدیدی را می‌آفرینند.

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی، نظریه‌های انقلاب، بیداری اسلامی، منطقه خاورمیانه.

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی سبب شد که هم در ساختار و هم در کارکرد نظام بین‌الملل، تغییر و تحولات اساسی رخ دهد. در ساختار نظام بین‌الملل با توجه به حاکم بودن نظام دوقطبی در آن زمان، ایجاد جبهه‌ای جدید که متکی به غرب و شرق نبود، سبب خیزش دوباره جنبش عدم تعهد و ملت‌های مستقل شد، تا جایی که آنها توانستند در عرصه روابط بین‌الملل نقش‌آفرین شوند. در این میان کشورهای اسلامی نیز با اتکای به هویت تمدنی خود، توانستند تاثیر قابل توجهی بر تحولات بین‌الملل بگذارند. به علاوه، انقلاب اسلامی توانست بازیگران نوینی را در نظام بین‌الملل به منصف ظهور برساند که از جمله آنها جنبش‌های آزادی بخش و ملت‌ها هستند که به‌عنوان نقش‌آفرینان جدید، دیدگاه‌های آنها می‌تواند بر دولت‌ها و روابط بین‌الملل تاثیرگذار باشد.

همچنین اخیراً، نقش انقلاب اسلامی با توجه به نوع تعامل میان ملت‌ها، در عرصه روابط بین‌الملل آشکار شده است. به اختصار تاکید بر قدرتی به‌نام «قدرت نرم‌افزاری» که برگرفته از اندیشه، فرهنگ و تفکر است، این انقلاب را در اعمال تاثیرات ساختاری بر نظام بین‌الملل توانا کرد، تا جایی که توانست نظامی فارغ از سلطه قدرت‌های استکباری ایجاد کند. علاوه بر آن از جنبه کارکردی، انقلاب اسلامی سبب شد که دو قدرت رقیب شرق و غرب برای مقابله با این جریان جدید و مستقل، با یکدیگر همکاری کنند. بنابراین برای مقابله با ملت‌های آزادیخواه، رویکرد همکاری جویانه بین شرق و غرب حاکم شد. انقلاب اسلامی توانست با به چالش کشیدن نظم بین‌الملل و قواعد حاکم بر آن، نشان دهد که امپریالیسم و سوسیال‌امپریالیسم هر دو در جهت تسلط بر ملت‌های جهان سوم عمل می‌کنند و ماهیت هردوی آنها سلطه‌جویانه و مادیگرایانه است (امام خمینی، ۱۳۷۹).

در نتیجه انقلاب اسلامی در شیوه تعامل میان جهان مستقل و جهان سلطه‌جو تحولی عظیم ایجاد کرد و مرز جدیدی که به قول امام (ره) مرز بین مستضعفان و مستکبران بود، ترسیم کرد. در عرصه منطقه‌ای، انقلاب اسلامی سبب جوش جنبش‌های اسلامی و آزادیبخش شد. که بعضی از این جنبش‌ها جنبه رادیکال پیدا کردند و درصدد واژگونی نظام‌های حاکم برآمدند، بعضی جنبه اصلاح‌طلبانه و میانه‌رو پیدا کردند تا با اقدامات اندیشه‌ای در ذهنیت مردم تحول ایجاد کنند، بعضی دیگر نیز جنبش‌هایی بودند که به طور کامل برگرفته از انقلاب اسلامی بودند؛ مانند جنبش حزب‌الله که ساختار کلی نظام جمهوری اسلامی و ولایت فقیه را در درون ایدئولوژی مبارزاتی خود وارد کرد. وجه مشترک تمام این جنبش‌ها، الهام گرفتن از فلسفه مبارزاتی انقلاب اسلامی برای پیروزی بود که طی آن مردم با دست‌های خالی، با مشت‌های گره کرده و با فریاد الله اکبر به پیروزی رسیدند. نهضت‌های یادشده تا حدود زیادی توانستند در این رهگذر توفیقاتی را به دست آورند.

یکی از برجسته‌ترین عملکردهای انقلاب اسلامی، مبارزه با مظهر استکبار؛ یعنی صهیونیسم است. صهیونیسم جنبه توسعه‌طلبی و برتری‌طلبی نژادی مورد نفرت و مخالفت کشورهای منطقه قرار گرفته بود، لیکن پیش از انقلاب اسلامی ایران، بیشتر کشورهای عرب بر مبنای ایدئولوژی پان‌عربیستی به مقابله با صهیونیسم پرداخته بودند و مساله فلسطین را یک مساله ارضی و سرزمینی قلمداد می‌کردند. انقلاب اسلامی توانست نشان دهد که مساله فلسطین، مساله‌ای مربوط به کل جهان اسلام است که بایستی همه ملت‌ها با اتکای به آرمان‌های اسلامی و انقلابی خود و در جهت مقابله با ریشه فساد تلاش کنند. از این رو امام (ره)، مساله را از بعد ملی و ناسیونالیستی عرب خارج کرد و به آن چهره بی‌اسلامی بخشید. در این راستا، ایشان روز قدس را به‌عنوان روزی که در آن مسلمانان علیه ایادی امپریالیسم در منطقه یعنی صهیونیسم به مخالفت برمی‌خیزند، اعلام کرد. از سوی دیگر، انقلاب اسلامی اسلام را به عنوان دینی جامع و متناسب با شرایط روز و دارای ایدئولوژی سیاسی عرضه کرد و به صدور معنویت به جهانیان، چهره واقعی اسلام ناب محمدی (ص) را ارائه کرد. به علاوه با ارائه الگوی عملی و نظری از جمهوری اسلامی و نیز ترغیب مسلمانان به همگرایی و وحدت اسلامی، توانست هویت سیاسی و دینی جدیدی بر اساس ارزش‌های دینی به مسلمانان ببخشد و با زنده نگه داشتن حضور مردم در عرصه‌های مختلف انقلاب، زمینه مشارکت و حق تعیین سرنوشت مردم را فراهم کند (افتخاری، ۱۳۹۱).

همچنین انقلاب اسلامی با اهتمام به استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی و بیداری جهان اسلام، پیام خویش را مبنی بر ساختن دنیایی امن توأم با صفا و صمیمیت برای انسانها ارایه و زمینه ای را فراهم کرد که انسانها بتوانند با بهره مندی از معنویت، استقلال و آزادی، توجه به خدا، بر اساس تعالیم مبتنی بر فطرت پاک بشری دنیایی پر از صلح، عدالت و معنویت را رقم زنند. در واقع انقلاب اسلامی نظریه‌های انقلاب را متحول کرد. تا پیش از انقلاب اسلامی نظریه‌های انقلاب برای سرنگونی نظام حکومتی بیشتر بر روش‌های خشونت‌آمیز تاکید می‌کرد، در حالی که انقلاب اسلامی، انقلابی متکی بر وحدت و حضور ملت بود. از طرف دیگر بیشتر انقلاب‌ها در آن زمان یا ناسیونالیستی بودند و یا سوسیالیستی؛ یعنی یا بیشتر براساس استقلال‌طلبی و استعمارزدایی بودند و یا براساس عدالت‌جویی مبتنی بر مکتب مارکسیسم. انقلاب اسلامی که بر بعد فرهنگی تاکید می‌کرد، وجهه جدیدی را در میان انقلاب‌ها رقم زد و این فرهنگ در تعامل با تمدن غنی اسلامی بود. وجود چنین هویت تمدنی، سبب شد که یک جنبش بازگشت به خویشتن در میان ملت‌های مسلمان پدید آید که از این لحاظ در نوع خود بی‌نظیر بود؛ زیرا برای مقابله با ایدئولوژی‌های وارداتی و یا سلطه‌جویانه احیا و بازسازی اندیشه و تمدن اسلامی را مد نظر قرار گرفت بنابراین از این لحاظ که یک نگاه فرهنگی به قدرت نرم‌افزاری انقلاب اسلامی شد، در نظریه‌های بین‌المللی تحول عظیمی صورت گرفت. از طرف دیگر انقلاب اسلامی از آن لحاظ که انقلابی مابین مرحله مدرنیته و فرامدرنیته بود، توانست به‌عنوان الگویی برای تلفیق سنت و مدرنیته و نیز الگوی مقابله با مظاهر مدرنیسم غربی از قبیل: اومانیسم، سکولاریسم و ماتریالیسم قرار گیرد و در نتیجه توانست در عین اخذ جنبه‌های مثبت تمدن غرب، ارزش‌های اسلامی را هم به آن بیافزاید و در نهایت وحدت در ارزش‌های اسلامی و کثرت در تکنولوژی‌ها و شیوه‌های اعمال و اجرای آن ارزش‌ها را به منصف ظهور برساند. تا پیش از انقلاب نظریه پردازان بیشتر با نگاه مدرنیته به انقلابها نگاه می‌کردند، یعنی انقلاب در جهت مدرن شدن و نو شدن تلقی می‌شد؛ در حالی که انقلاب اسلامی نه تنها با مظاهر مدرنیسم غربی به مقابله پرداخت، بلکه جنبش بازگشت به خویشتن را مطرح کرد. البته این بدان معنا نیست که ما با تکنولوژی‌های ارتباطی و فن‌آوری‌های روز مخالف باشیم. امام(ره) در آن زمان اعلام کرد: ما با سینما مخالف نیستیم، بلکه با فساد و فحشا مخالفیم (الفونش، ۱۳۷۰).

بنابراین هدف انقلاب این بود که ضمن بهره‌گیری از تکنولوژی‌های مدرن روز، در جهت توجه بیشتر به اندیشه و تفکرات بومی تلاش کند. از این رو انقلاب اسلامی تاثیر عمیقی بر نظریه‌های غربی گذاشت، که بعضی از نظریه‌پردازان با بیان انقلابی به نام خدا، بر جنبه‌های معنویت‌گرایانه و حق‌طلبانه انقلاب اسلامی تاکید کردند. انقلاب اسلامی انقلابی بود که ریشه در باورها و اعتقاد مردم مسلمان ایران داشت و از این لحاظ، به ایدئولوژی‌سازی و ایدئولوژی‌پردازی در آن نیاز نداشت. انقلاب اسلامی براساس بسترها و بافت‌های بومی شکل گرفته بود و از این رو لازم نبود که ایدئولوژی نوینی را به مردم تزریق کند. چون مردم با اسلام خو گرفته بودند، با همان باورها و ساختارهای ذهنی به مقابله با رژیمی پرداختند که درصدد اسلام‌زدایی برآمده بود. ولی در عین حال خصوصیت عمده انقلاب اسلامی این بود که یک نهضت نرم‌افزاری بود؛ به این معنا که هم می‌توانست در جهت احیا و بازسازی تفکر دینی عمل کند و هم در جهت ارائه یک شیوه جدیدی برای حکومت و حاکمیت که از آن به مردم‌سالاری دینی تعبیر می‌شود (الویری، ۱۳۹۰).

توان نظری انقلاب اسلامی در تلفیق سنت و مدرنیته، جمهوریت و اسلامیت، دین و سیاست، پیوند معنویت و حکومت و به‌طور کلی ایجاد یک نظام مردم‌سالار دینی که بر پایه‌های روشنفکری دینی، جامعه مدنی دینی و خاستگاه‌های نوآندیشانه اسلامی استوار بود، حکایت از این دارد که این انقلاب توانست یک تحول فکری ایجاد کند و این تحول فکری در جهت بازسازی تمدن اسلامی بود. تمدنی که ریشه در گذشته داشت، ولی امکان پویایی و تعامل فرهنگی را با سایر تمدن‌ها داشت و این بود که انقلاب اسلامی، واحد تحلیل در روابط بین‌الملل را از دولت و ملت به تمدن ارتقا داد. انقلاب اسلامی از این لحاظ که پروژه امت‌سازی را که بر اساس حفظ آرمان‌ها، اهداف و ارزش‌ها استوار است دنبال کرد، در جهت تداوم آرمان‌ها، باورها و ارزش‌ها به طور مسلم گام بر می‌دارد به عبارت دیگر، چون انقلاب اسلامی انقلابی آرمانی بود و براساس ایده‌آل‌ها شکل گرفته بود، همچنان این ایده‌آل‌ها را مد نظر قرار می‌دهد.

البته این به معنای عدم توجه به واقعیت‌ها نیست، بلکه به قول ریمون آرون رو به آرمان داشتن و واقعیت‌ها را لحاظ کردن است که من از آن به آرمان‌گرایی واقع‌بینانه تعبیر می‌کنم؛ یعنی در عین حفظ آرمان‌ها، به واقعیت‌های موجود و عملیاتی کردن آن توجه شود در این زمینه مشکلی که ما با آن روبه رو بودیم این بود که آرمان‌ها را در عرض واقعیت‌ها قرار داده بودیم، درحالی‌که آرمان‌ها در طول واقعیت‌ها هستند و در واقع بایستی برای رسیدن به آنها مرحله‌بندی و استراتژی‌پردازی کرد؛ به عبارت دیگر باید دو استراتژی تدرج، یعنی درجه‌بندی و وسع، یعنی تحقق آرمان‌ها براساس توانایی‌ها و ظرفیت‌ها، مد نظر قرار می‌گرفت. الگوی آرمان‌گرایی واقع‌بینانه به معنای پل زدن بین آرمان‌ها و واقعیت‌ها است، بدین صورت که تلاش می‌شود ضمن تطابق شیوه اجرای آرمان‌ها با مقتضیات زمان، در جهت ایده‌پردازی و مفهوم‌سازی هم تلاش شود تا بتوان آرمان‌های انقلاب را به زبان روز به دیگران تبیین و تفهیم کرد. یکی از مشکلات ما در عرصه آرمان‌ها، عدم نظریه‌پردازی و اندیشه‌ورزی برای تبیین آن آرمان‌ها به زبان روز بود و همچنین عدم برنامه‌ریزی برای عملیاتی کردن آن آرمان‌ها. با توجه به این دو امر مهم است که ایده آرمان‌گرایی واقع‌بینانه، در جهت دوری از تبدیل شدن آرمان‌ها به شعار تلاش می‌کند (برزگر، ۱۳۹۱).

نقش ایران در بیداری اسلامی

ایران به عنوان یک کشور به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئوکالچر بر تحولات بین‌المللی اثر گذار بوده است. این ویژگی‌ها باعث شده که کشورمان منطقه‌گرایی را محور سیاست خود قرار دهد. ایران توانست در زمینه‌های تاثیرگذاری فکری، صدور تفکر مقاومت و مبارزه با استعمار نوین و استبداد و بازگشت به اسلام در ادوار مختلف به نوعی اعمال مدیریت کند. مدیریت کشورهای تازه استقلال یافته عربی و اسلامی، به ترتیب در جریان مشروطه، ملی شدن صنعت نفت و نهضت ۱۵ خرداد ۴۲ از نمونه‌های تاریخی نقش هدایتگری ایران است. در این مقاطع جریان تاثیرگذار جدایی از سیاست‌های دولت و حاکمان بود، که از ناحیه علمای دین و روشنفکران مذهبی و بعضاً ملی مدیریت می‌شد. چرا که در این مقاطع به ویژه در عصر پهلوی دولت بیشتر از بیرون (پیروی از مدل آتاتورک در ترکیه) الگو می‌گرفت. از این رو تاثیرگذاری در این دوره تاریخی محدود به منطقه و به خصوص کشورهای اسلامی بود (حسینی، ۱۳۸۹).

انقلاب اسلامی، به عنوان پدیده‌ای که بر بنیاد ارزش‌های دین با تکیه به روش‌ها و شیوه‌های نوین دموکراسی، شکل گرفت والگوی جدید از مقاومت و مبارزه با استبداد و استعمار را به نمایش گذاشت، الگوی جدیدی از مدیریت در عرصه قدرت، سیاست و حاکمیت را متجلی و شکل جدیدی از تاثیرگذاری و متفاوت از کارکرد تاریخی مزبور را بنا نهاد و نوعی از جریان احیاگری، بیداری فکری و ایدئولوژیک را سامان داد و هدایت کرد. جمهوری اسلامی، برای اولین بار اصطلاح «امت اسلامی» به عنوان یک مفهوم انقلابی را وارد ادبیات سیاسی جهان کرد. در همین چارچوب تفکر منطقه‌گرایی به شکل نوین را در دستور کار قرار داد و فرایند تبدیل شدن به یک قدرت هم‌زمن را پیشه کرد که امروز پس از سه دهه توانسته است به عنوان الگوی مسلط منطقه جایگاه خود را تعریف کند.

الگویی که با وجود هم‌زمن‌های برون‌زا و مداخله‌گر مزاحم توانست به تقویت موقعیت و توسعه نفوذ خود ادامه دهد و حوزه نفوذ منطقه‌ای خود را به حوزه جهانی اسلام ارتقا دهد. ایران نوین در شرایط فعلی نظم نوینی را نوید می‌دهد که بنیادهای معادلات سیاسی و امنیتی موجود را در اشکال نرم و سخت با چالش‌های جدی و بی‌سابقه مواجه کرده است. بیداری اسلامی به عنوان یک پدیده متأثر از نهضت فکری جمهوری اسلامی در عصر حال در قالب یک جنبش اجتماعی، سازمانی و نهادهای نظامی مدعی رخ نموده است. این جریان در عرصه منازعات سیاسی و امنیتی علاوه بر اینکه موجودیت و نفوذ خود را به اثبات رسانیده است، می‌رود تا به قدرت بلامناع نقش آفرین در سطح جهانی تبدیل شود. در ظهور، قوام و توسعه پدیده بیداری اسلامی زمینه‌ها و عواملی چند دخیل بوده است که اهم آنها به اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرد (خرمشاد، ۱۳۹۰).

ریشه‌ها و عوامل بیداری اسلامی

۱. ورود نسل جدید با ویژگی‌های انقلابی به عرصه منازعات که فهم ریشه‌ای و واقعی‌تری از علل عقب افتادگی‌های علمی، اقتصادی و اجتماعی جوامع خود به ویژه در حوزه فکر و فرهنگی دارند.

۲. توجه به وحدت دینی و بن مایه‌های انسجام ایدئولوژیک و درک درست از راهبردهای قدرت‌های خصم و استکبار برای ایجاد گسست در جهان اسلام.

۳. حوادث بیدار کننده منطقه‌ای و جهانی از جمله بحران فلسطین، ۱۱ سپتامبر، اشغال عراق و افغانستان و راهبرد نبرد ایدئولوژیک غرب به محوریت آمریکا که با هدف تسلط بر جهان اسلام انجام می‌شود، آثار چشم‌گیری بر بیداری اسلامی دارد.

۴. رشد و توسعه وسایل ارتباط جمعی و تکامل شیوه‌های تبلیغ اسلام.

۵. انقلاب اسلامی عامل عمده بیداری اسلامی است و نقش ویژه‌ای در حرکت بیداری ملل مسلمان ایفا کرده است. عوامل ذکر شده در مرتبه کارکرد خود معلول علل‌اللی به عنوان انقلاب اسلامی هستند که در دهه ۱۹۷۹ در یک حرکت متکی به اراده عمومی، تمامی زیر ساخت‌های سیاسی، اجتماعی، فکری و حتی امنیتی کشورهای هژمون و عوامل مستبد وابسته به آنها را دگرگون کرد و در یک زایش تاریخی الگویی مقتدر، هوشمند با مدیریت کار آمد را به جریان‌ها و اذهان منتظر ارائه کرد. پدیده انقلاب اسلامی، پس از چند سده به شکل عملی و عینی، اسلام و جوامع اسلامی را از انزوا و سکون خارج کرد. انرژی آزاد شده از آن به عنوان موتور محرکه همه تحركات و خیزش جریان‌ها و جنبش‌های اسلامی از یکسو مردم مسلمان منطقه را نسبت به حق و حقوق و توانایی‌های خود آگاه کرد و از سوی دیگر طلسم شکست ناپذیر بودن غول استبداد و اختاپوس استعمار و امپریالیسم را ابطال کرد و این مسئله خود «جسارت و اعتماد به نفس» را به ملت‌های مسلمان برگرداند. در چنین وضعیتی بود که به تعبیر اقبال لاهوری، تهران قرارگاه مسلمانان شد و جمهوری اسلامی در فرایند ظهور، تثبیت و توسعه خود در داخل به عامل منحصر به فردی در احیا، پایداری و توسعه بیداری اسلامی و در شرایط کنونی به مرکز سازماندهی تمدن نوین اسلامی تبدیل شد (شکوهی، ۱۳۶۴).

اینکه انقلاب اسلامی که خود از دل مذهب بیرون آمده است، به احیا دین و تجدد حیات اسلامی در ایران و جهان مدد رسانده است، در تولد، تجدید حیات و تداوم جریان‌ها و جریان سیاسی اسلامی معاصر در سه دهه اخیر نقش کلیدی داشته است، مورد اتفاق نظر تمام محافل سیاسی جهان اعم از دوستداران ایران، رقیبان و کشورهای خصم است. اما پرسش این است که چرا انقلاب اسلامی بر جریان‌ها و جنبش‌های پیش برنده پدیده بیداری اسلامی و حتی حرکت‌های سیاسی معاصر تاثیر گذاشته است و میزان این تاثیرگذاری چقدر بوده است؟

زمینه‌ها و علل تاثیر پذیری جنبش‌های اسلامی از انقلاب اسلامی

در پاسخ به چرایی تاثیرگذاری انقلاب اسلامی بر فرایند تکاملی بیداری اسلامی، باید به اشتراکات فراوان سیاسی و فرهنگی میان ایران به عنوان عامل و جنبش‌های سیاسی به عنوان محرک‌های متأثر توجه داشت، از جمله این اشتراکات:

۱. ایدئولوژی و عقیده مشترک:

انقلاب اسلامی گر چه یک انقلاب شیعی بود اما در اصول دین، توحید، نبوت، معاد، قبله و قرآن با دیگر هسته‌ها و جنبش‌های اسلامی وحدت ماهوی داشت و رفتار و عملکرد چند دهه انقلاب نیز جدیت و توانمندی ایران در دفاع از حدود و ثغور اندیشه اسلامی را به نمایش گذاشت و مواضع روشن، مستقل و مبتنی بر احیای دین ایران اسلامی اعتماد و تعمیق اعتقاد آنها به صداقت دینی انقلاب اسلامی را تقویت کرد.

۲. دشمن مشترک:

انقلاب اسلامی به عنوان سکandar جبهه اسلام و مسلمانان و جنبش‌های اسلامی در مواجهه با جبهه غرب به محوریت آمریکا دارای دشمن مشترکی هستند که در صدد تسلط بر حدود جغرافیایی و به حاشیه راندن ایدئولوژی دین اسلام است.

انقلاب اسلامی از همان اوان شکل‌گیری سیاست خارجی خود را با محوریت شعار نه شرقی و نه غربی برای جنبش‌های آزادی بخش تعریف کرد و با اعلام رسمی حمایت از نهضت‌های رهایی بخش و تبدیل آن به اصل قانونی، خود را به عنوان هدایتگر صادق معرفی کرد. رهبران جنبش‌های اسلامی با الگو پذیری از این تعبیر امام(ره) که فرمودند: «دشمن مشترک ما امروز اسرائیل و آمریکا و امثال این‌هاست که می‌خواهند حیثیت ما را از بین ببرند و ما را تحت ستم دوباره قرار بدهند. این دشمن

مشترک را دفع کنید « هم‌نوایی خود را با اهداف ضد استعماری و ضد استکباری رهبر انقلاب اسلامی اعلام کردند (صفدری، ۱۳۸۹).

۳. طرح ایده وحدت اسلامی :

طرح وحدت مسلمانان به عنوان رمز پیروزی انقلاب، تداوم و توسعه آن به جهان اسلام عامل مؤثر در گرایش نهضت‌های اسلامی به ایران بود. وحدت در ابتدا به عنوان یک رمز پیروزی از انقلاب اسلامی الگوی کاری جریان‌ها شد، آنها دریافتند که اراده واحد و منسجم می‌تواند حلال مشکلات باشد، ایران همواره به عنوان خاستگاه و منادی وحدت محل رجوع جریان‌ها برای مدیریت فرایند وحدت بوده است .

۴. مدیریت بحران‌های خاورمیانه‌ای مثل فلسطین، لبنان و عراق از سوی ایران بود :

جمهوری اسلامی ایران همواره با اقتدار و استقلال و با پذیرش هزینه‌های سیاسی بسیار، همچنان از جبهه مقاومت و مردم فلسطین و مصالح جهان اسلام دفاع کرده است، در سخت‌ترین شرایط فارغ از مذهب و عقیده آنها مدافع و حامی آنها بوده است. مدیریت جمهوری اسلامی ایران در لبنان در هیئت حزب‌الله و در فلسطین در قالب حماس و جهاد اسلامی به عنوان جبهه مقاومت موفق عمل کرده است و تحت درایت هنرمندانه جمهوری اسلامی و عملکرد جریان‌های مقاومت، جهان اسلام و جغرافیای عرب پس از ۶ دهه در حال خروج از انزوا و انفعال است، در حالی که جبهه رعب‌آور صهیونیسم مسیحی به محوریت آمریکا و اسرائیل در دشوارترین شرایط سیاسی خود در تاریخ هدایت منطقه به سر می‌برند. کارکرد منطقی و نتیجه بخش جمهوری اسلامی باعث اعتماد بیشتر جنبش‌ها به ایران به عنوان کانون مدیریت و الگوی کارآمد شده است. به گونه‌ای که جنبش‌ها، حرکت خود را با افتخار متأثر و ملهم از الگوی ایران می‌دانند (گیدنز، ۱۳۸۶).

۵. الگوی مردم سالاری دینی :

عامل دیگر، به نمایش گذاشتن الگوی مدیریت جدید سیاسی با عنوان مردم‌سالاری دینی و مدیریت دینی در ایران است. ایران در دوران مدیریت نظام سیاسی متأثر از دین اسلام، توانسته است به قدرت برتر علمی منطقه تبدیل شود. استقلال و اقتدار خود را در مدیریت بحران‌های داخلی، منطقه‌ای و جهانی به اثبات برساند و پس از قرن‌ها به عنوان یک کشور جهان‌سومی نوعی نظم نوین در موضع هژمونی به جهانیان ارائه کند و تمامی معادلات سیاسی و امنیتی را به چالش بکشد.

ابعاد تاثیر (چیستی تاثیر)

انقلاب اسلامی چه تأثیری بر جنبش‌های سیاسی اسلامی و بیداری بخشی به مسلمانان داشته است، در پاسخ به این پرسش می‌توان به آثار متعدد و متنوع با ابعاد سیاسی، فرهنگی و امنیتی اشاره داشت :

الف) تأثیرات سیاسی: یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران تجدید حیات سیاسی اسلام در گستره جغرافیای اسلام بود که جریان‌ها و جنبش‌های سیاسی محور آن بود اما عمق این پدیده را باید در متن توده مسلمان جستجو کرد که در سه شکل در شرایط فعلی نمود عینی پیدا کرده است .

۱ . انتخاب اسلام به عنوان ایدئولوژی مبارزه و مقاومت

۲ . تلاش برای دستیابی به حکومت اسلامی (ارائه طرح حکومت اسلامی)

۳ . نقش انقلاب بر جنبش‌های سیاسی و جریان‌های فکری در لایه‌های مختلف جوامع اسلامی

ب . تأثیرات فرهنگی:

نهضت‌های اسلامی و جریان‌های فعال متأثر از متن مردم جوامع اسلامی، شعائر و شعارهای انقلابی ایران مانند، جهاد، شهادت و ایثار را به عنوان اصول اساسی مبارزاتی خود پذیرفته‌اند. به تعبیر سخنگوی جهاد اسلامی فلسطین در دیدار حضرت امام (ره)، با ظهور انقلاب شما (اسلامی) ملت مسلمان و بزرگ ما فهمید که راهش جهاد و مبارزه است. انتفاضه بارقه‌ای از نور و بازتابی از پیروزی‌های بزرگ انقلاب شماست، انقلابی که بزرگترین تحول را در عصر ما به وجود آورد. شعارهای لاشریقیه و لاغریبه، الله‌اکبر، هیئات من‌الذلة، الموت‌الأمريکا و اسرائیل،... و دیگر شعارهای با صبغه مذهبی از جمله شعارهای صادراتی انقلاب اسلامی است که جنبش‌ها و جریان‌ها در تحرکات و راهپیمایی خود همواره به آن تکیه می‌کنند، این مضامین که خود هر یک

محتوایی به فراخی یک مدل و الگوی سیاسی و مقاومتی در برخورد با رخدادها و عوامل آن دارد، در میان نسل جوان مسلمانان نیز رسوخ پیدا کرده و تاثیر مثبت و کارآمدی خود را به اثبات رسانده است .

انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک پدیده حائز خصلت فراملی، مرزهای جغرافیایی را در نوردید و در سطح کلان، فرهنگ، سیاست و نظام حاکم بر روابط بین‌المللی را دستخوش تغییرات بنیادین کرد. در این میان جغرافیای اسلام به طور ویژه متأثر شد. از نمودهای این تاثیرات :

۱. حیات مجدد اسلام بر عرصه جهانی و گرایش روز افزون مردمی برای تشریف به دین اسلام .
۲. زنده کردن احساسات آزادی خواهانه و استقلال طلبانه در مستضعفان و محرومان جهان .
۳. گرایش به مذهب، فروپاشی افکار و اندیشه‌های بلوک شرق و به چالش کشیده شدن اندیشه‌های لیبرالیسم، اومانیسم و بلوک غرب .
۴. گرایش شدید و پررنگ به حجاب و ظهور آن در هیئت یک جنبش فعال و چالش‌زا برای کشورهای غربی، لیبرال و لائیک .
۵. به هم ریختن معادلات سیاسی و امنیتی قدیمی و به اثبات رساندن ناکارآمدی راهبردها و طرح‌های نرم و سخت لیبرال دموکراسی و سرمایه داری به محوریت قدرتهای هژمون تاریخی در منطقه و جهان .

تاثیر انقلاب اسلامی بر راهبردهای امنیتی آمریکا

آمریکایی‌ها یا بهتر بگوییم جبهه صهیونیسم مسیحی به بهانه رخداد یازده سپتامبر به منظور تثبیت و استمرار هژمونی سیاسی و امنیتی و اقتصادی بر منطقه و حفظ وضع موجود در روابط بین‌الملل، طرح خاورمیانه بزرگ (خاورمیانه جدید) را با چند هدف مشخص تعریف و ارائه کرد؛ مرکز ثقل این طرح جغرافیای اسلام بود که خاورمیانه نقطه آغازین برای استقرار این طرح با اهداف ذیل بود :

۱. تسلط بر مراکز نفتی و دولت‌های منطقه برای تامین فرایند ارزان، مطمئن و مستمر انرژی
 ۲. تامین امنیت و سلطه رژیم صهیونیستی بر منطقه خاورمیانه
 ۳. مهار و یا انحراف جنبش‌های اسلامی برای جلوگیری از توسعه نفوذ آنها
 ۴. براندازی و یا مهار و محدودسازی جمهوری اسلامی ایران به عنوان موتور محرک جریان بیداری اسلامی
- اما این اهداف خود تابع عوامل دیگر بودند
۱. درک و آگاهی از عمق بیداری اسلامی و نگرانی از تبدیل شدن این جنبش فکری به کارگردانان قدرت و مدیران و سیاستمداران آینده .
 ۲. نگرانی از تسلط عوامل بیداری اسلامی به عنوان قدرتهای هژمون سیاسی و امنیتی در منطقه خاورمیانه به عنوان هارتلند جهان اسلام و نقطه رقم زنده معادلات آینده .
 ۳. نقش برخی از سران منطقه و رژیم‌های وابسته در جهان اسلام در تقویت نگرانی از رشد اسلام‌گرایی .
 ۴. نقش رسانه‌ها و بنگاه‌های غربی و صهیونیستی در معرفی بیداری اسلامی به عنوان تروریسم و نماد خشونت .
 ۵. مهم‌ترین دلیل، ظهور ایده صهیونیسم مسیحی به عنوان یک الگوی عقیدتی و ایدئولوژی با ویژگی‌های افراطی‌گری، تصلب فکری و سیاسی است که پیگیر یک جنگ ایدئولوژیک و صلیبی است .
- آمریکا که با راهبردها و طرح‌های استراتژیک از پیش طراحی شده به دنبال مدیریت بحران و چالش‌های خاورمیانه بود، با ناکامی بی‌سابقه‌ای مواجه شد. راهبرد آمریکا در دو چهره سیاست مشت آهنین و جنگ نرم یا نبرد فرهنگی با تکیه به ابزار رسانه و انتخابات نمود یافت. در هر دو شکل با چالش جدی مواجه و کاملاً بی‌نتیجه بود، تجربه افغانستان و ظهور مجدد طالبان، تجربه عراق و روی آمدن اکثریت شیعه با گرایش اسلامی، تجربه فلسطین و تقویت موقعیت سیاسی و اجتماعی جنبش سیاسی اسلامی حماس و جهاد اسلامی و سرانجام تجربه جنگ ۳۳ روزه و شکست تاریخی رژیم صهیونیستی و ایده‌های آمریکا از جمله شواهد عینی شکست‌های استراتژیک آمریکا در نیل به اهداف از پیش تعریف شده بود(عمر، ۱۳۸۰).

پیامدهای بیداری اسلامی برای آمریکا

۱. آمریکایی‌ها با شعار حقوق بشر و دموکراسی‌سازی، طرح‌های خود را برای منطقه خاورمیانه معرفی می‌کردند و در تحقق آن به دنبال تقویت جایگاه خود در میان افکار عمومی جهان اسلام بودند اما در دست‌یابی به این هدف ناکام ماندند.
۲. آمریکا در چارچوب سیاست تثبیت هژمونی منطقه‌ای خود به دنبال سرکوب جریان‌های اصیل بیداری اسلامی بود اما امروز جریان‌های اصیل اسلامی در تمام کشورهای اسلامی و عربی به ویژه کشورهای هدف «لبنان، فلسطین و عراق» به مهمترین نیروهای سیاسی و اجتماعی جهان عرب مبدل شده‌اند، جریان‌های شیعه و سنی اصیل با تکیه به تاکتیک‌ها و روش‌های عقلایی و کارساز جهان تشیع به محوریت ایران جبهه مقاومت در برابر هژمون طلبی آمریکا را شکل داده‌اند.
۳. نکته سوم، اینکه بیداری اسلامی باعث بحران مشروعیت و مقبولیت سیاسی برای پایگاه‌های سیاسی و فرهنگی و حتی امنیتی آمریکا و عوامل آن در منطقه شده است.
۴. نکته مهمتر اینکه؛ ظهور بیداری اسلامی باعث به هم خوردن ثبات و دوام و کارآمدی راهبردهای غرب در سطح بین‌المللی و مدیریت بحرانها از ناحیه آمریکا و متحدانش شده است. به همین دلیل است که جبهه صهیونیسم مسیحی تمام امکانات خود را بسیج کرده است تا منازعه خود با جهان اسلام و جبهه مقاومت را که در نقطه سرنوشت‌ساز خود قرار دارد به نفع خود تغییر دهد. مقاومت نیز با علم به این مقاصد غرب، چشم‌انداز آینده را در نتیجه فینال تقابل با غرب تصور می‌کند (محمدی، ۱۳۸۷).

آسیب‌شناسی بیداری اسلامی

حدود بیش از سه دهه است که گروه‌های منسجم و سازمان یافته کوچک و بزرگ تحت عنوان جنبش‌های اسلامی با استناد و با اعتقاد به اسلام، در سطح محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ظاهر شده‌اند. این جنبش که از حمایت و آگاهی جمعی در میان توده جوامع خود نیز بهره‌مند هستند، به سبب اقداماتشان که آثار عمیق و گسترده‌ای را به جا گذاشته‌اند، به شدت در کانون توجه کشورها و متفکران قرار گرفته‌اند. یکی از مسائل مطرح و حائز تامل در خصوص بیداری اسلامی، آسیب‌ها و آفت‌های پیش روی آنها می‌باشد که چالش‌های بسیاری را برای جریان اصیل بیداری اسلامی به وجود آورده است. بنیانگذار انقلاب اسلامی در بررسی آسیب‌ها و آفت‌های بیداری اسلامی و جنبش‌های سیاسی اسلامی به عنوان مصداق عینی آن به چند آسیب کلیدی اشاره دارند:

۱. تحریف اسلام و وارونه جلوه دادن مفاهیم دینی از سوی رهبران
۲. گرایش سیاسی حاکمان کشورهای اسلامی (لائیک، ملی مذهبی، پادشاهی، دنباله رو قدرت‌های بزرگ
۳. تحجر و جمود فکری مقدس نماها
۴. نخبگان و روشنفکر نماهای مذهبی و ملی
۵. تفرقه و اختلافات فرقه‌ای و قومی
۶. آخوندهای دنیاطلب وابسته به قدرتها
۷. تکیه به رادیکالیسم و تملک به شیوه‌های غیر حقوقی و غیر شرعی و طرفداری از شیوه‌های تندروانه در پوشش عنوان جهاد که موجبات تخریب چهره جریان‌های اصیل را فراهم آورده و هزینه‌های بسیاری بر جهان اسلام تحمیل کرده است.
۸. بی‌برنامگی عمده جریان‌های اسلامی و نداشتن یک راهبرد و استراتژی تئوریزه شده، البته در مواردی شاهد حضور فکر راهبردی در میان جریان‌های بیداری بوده‌ایم که حزب‌الله لبنان و جنبش مقاومت فلسطین از جمله آنها است که فوائد بسیاری را عاید خود و جهان اسلام کرده و تاثیر بی‌سابقه‌ای بر شکل‌گیری معادلات سیال بین‌المللی که در حال گذار به نظم نوین داشته است. (مطهری، ۱۳۶۲).

نتیجه گیری:

بیداری اسلامی به عنوان یک آگاهی جمعی با تکیه به اراده عمومی و متاثر از اسلام اصیل تحت مدیریت جمهوری اسلامی در شرایط کنونی تبدیل به رفتار سیاسی شده و در شکل یک ایده سیاسی سامان داده شده است. تئوریزه شدن این نهضت فکری مرحله فرمولیته‌ای را پشت سر گذاشته و به عنوان یک مدل سیاسی رخ نموده است. به طوری که، شرایط کاملاً نسبت به یک

دهه گذشته متحول شده است. وضعیت معادلات منطقه در حرکت رو به پیش خود همسو با منافع و مصالح اسلام و جنبش‌های اسلامی و کاملاً به ضرر غرب در حال رقم خوردن است. این موج فزاینده نهضتی، در صدد شکستن موانع نهضتی غرب برای رسیدن به یک جامعه دین محور است. این مسئله خود باعث تغییر موازنه قدرت در میان جنبش‌های اسلامگرا به نفع جنبش‌های شیعه با پشتوانه فرهنگی انقلاب اسلامی شده است. نکته پایانی این که جبهه‌بندی فکری و رفتار سیاسی جدیدی میان جریانها و جنبش‌های اصیل اسلامی با آمریکا و جریان‌های وابسته به آن شکل گرفته است و یک نوع نبرد فرهنگی و عقیدتی و سیاسی با آمریکا رخ عیان کرده است. جهان اسلام با غرب در مرحله فینال نبرد به سر می‌برد، مرحله‌ای سرنوشت ساز که نیاز به درایت و مدیریت هنرمندانه و خود محور دارد. غرب به عنوان نماد جبهه لیبرالیسم در مرحله نهایی کارکرد سیاسی و مدیریتی‌اش قرار دارد و در نقطه اوج منحنی رشد خود، دوران افول را آغاز کرده است. به همین دلیل در موضع دفاع انفعالی قرار دارد اما نهضت بیداری، در آغاز خیزش انقلابی، به سرعت حرکت تکاملی را تجربه می‌کند، حرکتی که هر چه پیش می‌رود به چشم‌انداز آرمانی خود نزدیک می‌شود و به همین دلیل بر عکس لیبرالیسم و جبهه غرب که در تمام ابعاد سیاسی، فکری و حتی نظامی در موضع نقد و تهاجم مدبرانه قرار دارد، بیداری اسلامی با اعتماد به نفس تام در حال ویران سازی بنیادهای سیاسی و حقوقی دست‌ساز غرب در منطقه است.

فهرست منابع

- امام خمینی (۱۳۷۹)، صحیفه امام مجموعه بیانات و آثار امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، عروج .
افتخاری، اصغر (۱۳۹۱)، بیداری اسلامی در نظر و عمل، تهران، دانشگاه امام صادق .
الغنوش، راشد (۱۳۷۰)، ترجمه سید هادی خسروشاهی، حرکت امام خمینی و تجدید جهان اسلامی، تهران، مؤسسه اطلاعات .
الویری، محسن (۱۳۹۰)، «بیداری اسلامی؛ از باورها تا نهادها»، ماهنامه روابط فرهنگی، ش ۱، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی .
برزگر، ابراهیم (۱۳۹۱)، نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، دانشگاه امام صادق .
حسینی، عارف (۱۳۸۹)، «تشیع در تونس»، مجله گنجینه، مجمع جهانی اهل بیت، ش ۱۸ و ۱۹ .
خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۰)، بازتاب‌های انقلاب اسلامی، تهران، سمت .
شکوهی، حسین (۱۳۶۴)، جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی، مشهد، آستان قدس .
صفدری، محمدحسن (۱۳۸۹)، ریشه‌یابی انقلاب تونس، سایت خبری مجله هفتگی الحقیقه الدلویه .
گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، جامعه شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر نی .
عمر، عمراحمد (۱۳۸۰)، یقظة المسلمین فی القرن العشرين، جلد اول، تهران، المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامیة .
محمدی، منوچهر (۱۳۸۷)، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی .
مطهری مرتضی (۱۳۶۲)، اسلام ومقتضیات زمان، تهران، صدرا .
ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۴)، تأثیرات منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه سیاست، دانشگاه تهران، تابستان، ش ۱ .
موثقی، احمد (۱۳۷۶)، مکتب و مرام امام خمینی، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی و احیای تفکر دینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
هاس، ریچارد (۱۳۹۱)، ترجمه مهدی کاظمی، «خاورمیانه جدید»، مجله تعاون افروز، دفتر تبلیغات اسلامی، ش ۲۸ .